

ملاهادی سبزواری، بحرالعلوم، امام خمینی و آیت الله خوبی از قائلین به این نظریه‌اند. به ادعای برخی، مشهور فقها که این نظریه را بیان کرده‌اند، و حتی قائلین به نظریه اول، صورت شبهه را استشنا کرده و عموماً رافع تکلیف را اطلاق کرده‌اند.

به نظر می‌رسد پذیرش نظریه دوم، در فهم خودش نسبت به نظریه اول به نقض ضروری دین منجر خواهد شد و آنچه که حقوق دانان بی‌دقتی کرده‌اند، ضروری دین در عمل است که همان ترک اصول دین به معنای اعم است؛ بدین معنا که نقض اصول دین در نظریه دوم، باید نوعی هتک به احکام و حقوق اصول دین باشد مگر در موارد شبهه.

در نهایت نظر نهایی این است که هرگاه حکمی از احکام دین، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به هتک اصول مذهب منجر شود، اخلال خواهد بود.

نکته: ترک ضروری دین در ابواب فقه حکومتی آمده است.

گفت‌وگوهای صورت‌گرفته در خصوص این اصل نشان می‌دهد که مبانی اسلام، در اصل همان مفهوم مشترک ذهنی فقهای مجلس خبرگان است که افاده حقوقی هم دارد؛ از این رو می‌توان گفت که مناط محل به مبانی با تارک ضروری دین یکی است؛ چراکه عنصر اصلی ترک دین، طرد امر ثابت شده است تا جایی که برخی، نشوونما در محل اسلامی را برای فهم این حقیقت کافی می‌دانند. ضروری دین و اخلال، هر دو در به هم زدن ثبوت منطقی و امنیت روانی جامعه مبانی مشترک دارند.

• ابعاد اصل ۲۷ در حقوق اساسی

به نظر می‌رسد مدنظر خبرگان، این بوده که اصلی را بیان کنند که هم اطلاق و تصور آزادی حداکثری رخ دهد هم به اخلال مبانی اسلام توجه شده باشد، به طوری که این اصل در آینده کمتر مورد مزاحمت و تحدید قرار بگیرد. اگر به این دو هندسه بسنده شود، به طور حتم در مقام استفاده از ابزارهای حقوقی، فقط می‌توان به اعلامیه پیشینی بسنده کرد و سایر ابزارها و تحدیدات در مقام قانون، خلاف اصل تلقی می‌شود. در لایحه دولت و نیز در طرح، به اعلامیه بسنده شده است. به احتمال، هر دو متن نتواند به تضمین حق اجتماعات مردم پاسخ مناسبی دهد؛ زیرا عدم تبیین دقیق مسئله با توجه به مشکلات اجرایی این حق، بی‌شک به از بین رفتن این اصل منجر خواهد شد.

سؤال اینکه آیا مقیدات این اصل، فقط همین قید است یا در اصول دیگر هم تحدیداتی برای آن صورت گرفته که باید فحوص شود؟

غفلت همه نویسندگان حقوقی، با توجه به این سؤال، ظاهر می‌شود. تدوین‌کنندگان قانون اساسی، قیدهای متنوعی را در متن مذاکرات قانون اساسی به این اصل پیشنهادی متذکر شده‌اند و گفته‌اند که عقلاً باید بر این اصل محدودیت‌هایی تدارک ببینند، اما از آنجاکه متن اصل، ناظر بر فعالیت احزاب و اصناف است و اصول قانون، محدودیت‌های خود را در اصول دیگر به احزاب تصور کرده؛ بنابراین این شرایط را طولانی می‌دانیم و بیان نمی‌کنیم. شاهد این گفتار، گفته نایب‌رئیس و عضو گروه مدون است که در بحث درباره قیودی مانند امنیت و نظم می‌گوید: «ما در مورد اجتماعات، همه قیود لازم را آوردیم؛ فعلاً بحث سر آزادی و آزادی اجتماع است و درباره وجود قیود دیگر، بحث نمی‌شود». ضلع دیگر این اصل، در این باره است که احزاب و انجمن‌ها و اقلیت‌های دینی آزادند که اجتماع کنند به شرطی که برخلاف استقلال کشور و آزادی و مبانی اسلام نباشد. طبق گفته یکی از اعضای خبرگان، اصل فوق نباید با قیود دیگر محدود شود.